

ویژه نامه ۲۵ اسفند روز شهدای سازمان

اسفندماه ۱۳۶۸

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
(اقلیت)

شهدای فدائی

جاودان باد خاطره پرافتخار

هنگامی که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ علیرغم دیکتاتوری و اختناق افسار-
گرفته حاکم، گروهی از انقلابیون کونیست مسلحانه به پاسگاه سیاهکل
بومین نزدیک به پایانه گذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
حمله بومینی را در مبارزه کونیستهای ایران علیه نظم موجود گشودند،
این عملیات کونیست بر طبقات ارتجاعی حاکم نیز روشن شد که
کونیستها تحت هیچ شرایطی دست از مبارزه پیگیرانه خود علیه نظام
طبقاتی برنمیدارند.

از آن زمان تاکنون حدود بیست سال گذشته است و طی تمام این
دوران تاریخچه سازمان ما مشحون است از فداکاری، از خودگذشتگی و
قهرمانی فدائیان که حتی در زندان، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها و در
پای چوبه دار و جوخه آتش ایمان خلل ناپذیر خود را به طبقه کارگر و
آرمانهای والای این طبقه نشان دادند و محکم و استوار از اهداف و
آرمانهای شریف و انسانی کونیستی خود دفاع نمودند.

در این دوران صدها فدائی خلق در نبرد مسلحانه رویاروی با خصم
طبقاتی جان باختند و صدها تن دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند، اما
مبارزه پیگیرانه تر ادامه یافت و صدها هزاران فدائی دیگر راه
فدائیان شهید را ادامه دادند. در همان نخستین روزهای حیات سازمان
فدائیان اکبر صفائی فراهانی، جلیل انفرادی، محمد رحیم سمائی،
مبین عراقی، محدث قندچی، هوشنگ نیری، فرهودی، سیف دلیل صفائی،
غفور حسین پور، عباس دانش بهزادی، اسحاقی، مشیدی، بنده خدنگرودی،
محمد هادی، علی قهرمانانه در برابر دشمن طبقاتی ایستادند، از آرمانها و
اهداف کونیستی خود دفاع کردند و جان باختند. مرتجعین در این
عیال حاکم سرکوب شدند که دیگر استبدادگی و مقاومت پائین گرفت، اما
این مبارزه سرانجام در مرحله بومینی ارتجاعی آفرینی، قهرمانی و ایثارگری
کونیستها بود. مبارزه در سرا سراسر ایران گشودن یافت و صدها کونیست
پیروز و آنها را ادامه دادند. رژیم شاه کشتار کونیستها را شدت بخشید.

کونیستهای کبیری همچون مسعود احمدزاده، امیر پرویز پویان، حمید
اشرف بهمه صدها فدائی دیگری در نبرد مسلحانه بشهادت رسیدند و
بنا به جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق بیژن جزنی و شش تن دیگر از
همزمان او که چندین سال را در اسارتگاههای رژیم سیری کرده بودند،
در زندان کونیستها با جان و فدایان کونیستها در نبرد مسلحانه و سایر
چریکهای فدائی، علی امیران، بعنوان یقین، زمان، پیکر و پیکر کونیست
نقش فعالی در قیام توده های مردم ایران برای سرنگونی رژیم ظالم و
ستبرکها ایفا نمود. اما از آنجا که طبقه کارگر نتوانست در رأس جنبش
قرار بگیرد و قدرت را به چنگ آورد نه دمکراسی در ایران برقرار گردید و
نه مبارزه برای تحقق اهداف طبقاتی و تاریخی کارگران پایان گرفته

از همان هنگام که جامعه طبقاتی به همراه طبقه کونیستها دستگیر
و استثمارگرو استثمار شونده پدید آمد و مبارزه طبقاتی تمام جامعه را فرا
گرفت، همواره مبارزه علیه ظلم و ستم، استثمار و بوندگی ادامه داشت و
میلیونها انسان شریف، جان خود را بخاطر اهداف انسانی و عدالتخواهانه
از دست داده اند. اما تاریخ هرگز در این مبارزه نیروی بومینی کونیست
فداکاران کونیستها که برای پیشبرد انسانی ترین اهداف تاریخی
بشریت ستمدیده از هیچ تلاش و از خودگذشتگی فروگذار نکرده اند، بخواب
ندیده است.

کونیستها بعنوان بخش پیشرو و آگاه طبقه کارگر همواره مظهر
پیشرو مبارزه آشتی ناپذیر علیه هرگونه ستم، استثمار، فقر و نابرابری
اجتماعی و سمیل عالی ترین و ناب ترین آرمانهای عدالتخواهان و
شردوستانه بوده اند. آنها هیچگاه در برابر نظم موجود طبقات حاکمه
ستمگرو استثمارگر تمکین نکرده و با پیگیری مستمری برای سرنگونی
طبقات حاکمه و بنای جامعه نوینی که در آن دیگر استثمار ستمدیده و استثمارگر
استثمار شونده وجود نداشته باشد، با شجاعت و شجاعت از مبارزه خود
بسربرد، مبارزه کرده اند. از همین رو است که طبقات سرمایه دار و مالک
همه پاداران و مدافعین نظام طبقاتی سرمایه داری، مبرا پیکر
وجودشان انباشته از کینه و نفرت نسبت به کونیستهاست و همواره آنها
را در معرض شدیدترین بیگانه ها و بیرحمانه ترین سرکوب و کشتار قرار داده اند.
به گواه تاریخ دو قرن اخیر، بورژوازی در تمام جهان سرمایه داری
از آمریکا گرفته تا اروپا و از آفریقا تا آسیا و قیام نوسیه میلیونها کونیست را
کشتار کرده اند، به زندان انداخته و در معرض وحشیانه ترین شکنجه ها
قرار داده است. با این وجود در تمام دوران یک لحظه از منسوبان
سراغ گرفت که این متنافسین راستین آزادی بشریت ستمدیده، این
حاملین عالیترین خیمه های آزادیها، طبقه کارگر مبارزه پیروز برای
پیروزی طبقه کارگر بورژوازی، تحقق این انقلاب اجتماعی و براندازی
نظام طبقاتی با زیستاده باشند.

در ایران نیز همچون تمام کشورهای سرمایه داری، کونیستها مظهر
مبارزه آشتی ناپذیر پرولتاریا علیه نظم طبقاتی موجود و دفاع از آرمانهای
والای کارگران و همه توده های زحمتکش و ستمدیده بوده اند. این
حقیقت را از همان هنگام که حزب کونیست ایران در سال ۱۳۳۷
پارچه گدازئی شد، مبارزه پیگیرانه و آشتی ناپذیر علیه طبقه حاکمه
ارتجاعی حاکم نشان داده اند. حزب کونیست ایران که توسط
پیشروترین و آگاه ترین بخش کارگران ایران پایه گذاری شده بود، در
نتیجه سرکوبهای وحشیانه مرتجعین حاکم بر ایران از هم پاشید. اما
کونیستها دست از مبارزه برنداشتند و با شکل و شیوه های مختلف این
مبارزه را ادامه دادند.

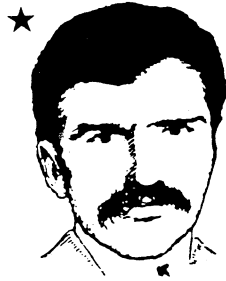
خاطره فدائیان شهید در قلب بزرگ طبقه کارگر زنده و جاوید خواهد ماند



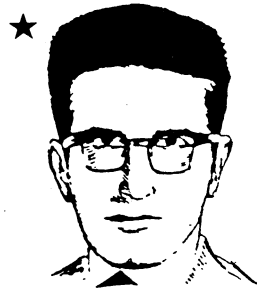
پانزده کیوترخونین، پانزده ستاره سرخ، نویدبخش پایان سکوت و بی‌عملی، نوید بخش آغاز عمل انقلابی فدائیان خلق.
پانزده فدائی خلق در ۱۹ بهمن سال ۴۹ چنان آتشی درسیا هکمل برافروختند که درسراسرایران زبانه کشید.



رفیق علی اکبر صفاei فراهانی



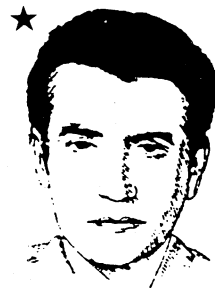
رفیق هوشنگ نیری



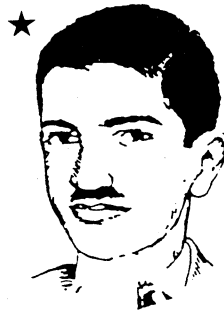
رفیق غفور حسن پورامیل



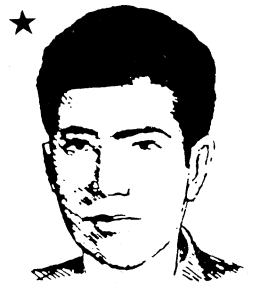
رفیق جلیل انفرادی



رفیق هادی بنده خدا لنگرودی



رفیق محمد هادی فاضلی



رفیق مهدی اسحاقی

.....
جنگل شک...افت
ویانزده ستاره خونین
بانعره های سوزان، برخاست از نهفت
وبرمدا رهای گریزان چرخید
چرخیدروی جنگل و
توفیدروی شهر
برفرق شب شکفت
.....



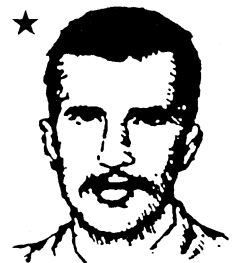
رفیق اسکندر رحیمی



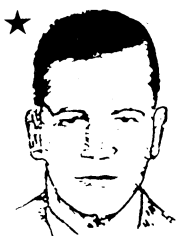
رفیق محمد رحیم سمائی



رفیق شعاع الدین مشیدی



رفیق احمد فرهودی



رفیق محمد علی محدث تندچی



رفیق عباس دانش بهزادی



رفیق اسماعیل معینی عراقی



رفیق ناصر سیف دلیل صفاei



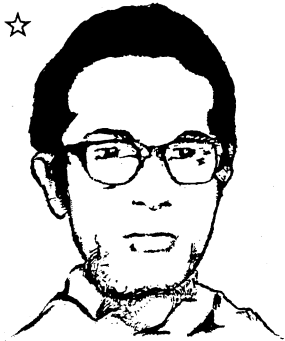
ه‌جده سال پیش در سحرگاه یازدهم اسفندماه ۱۳۵۰ دژخیمان رژیم سلطنتی قلب تنیده رفیق کبیر مسعود احمدزاده یکی از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، عضو کمیته مرکزی و از برجسته‌ترین پایه‌گذاران سنت مبارزه قهرآمیز را بهمراه ۹ رزمنده فدائی دیگر آماج گلوله‌های سرمایه‌ها قرار دادند. قلب توفنده‌ای که درماندگی و بی‌عملی گروه‌ها و محافل روشنفکری دهه چهل را با تئوری انقلابی و خروش رعدآسای عمل انقلابی درهم کوبید و ننگ خیانت حزب توده علیه کارگران و زحمتکشان ایران را با خون خود و هم‌زمانش از ذهن توده‌ها زدود.

خشم و نفرت انقلابی مسعود علیه نظام سرمایه‌داری، عشق و علاقه عمیق او به طبقه کارگر و آرمان‌رها ئی‌بخش او و سوسیالیسم و عزم بیولادین



سی‌ام فروردین ماه ۱۳۵۴ روزنامه‌های عصر رژیم پهلوی خبر کوتاهی را منتشر ساختند که در آن اعلام شده بود "۹ زندانی در حین فرار کشته شدند". این خبر ساختگی، حاکی از فاجعه شومی بود که طی آن یکی از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و از رهبران برجسته جنبش کمونیستی ایران، رفیق کبیر بیژن جزنی بهمراه ۶ فدائی دیگر به شهادت رسیده‌اند.

رفیق بیژن جزنی نزد همه کسانی که اندک آشنائی با مسائل جنبش کمونیستی ایران در دهه اخیر داشتند، و برای انقلابیون سراسر ایران و جهان چهره‌ای آشنا بود. رفیق بیژن فعالیت سیاسی خود را از همان دوران پرتلاطم جنبش انقلابی ایران در سال‌های ۳۲ و از سن ده سالگی آغاز کرد و در طول بیش از دوده‌ه تجارب گرانقدری کسب نمود و مسیر پرمشقت و کارنامه درخشانی را پشت سر گذاشت. بیژن از همان آغاز فعالیت سیاسی تا زمانیکه بطرز وحشیانه و کین‌توزانه‌ای



سوم خردادماه ۱۳۵۰ رفیق کبیر امیر پیروی پویان یکی از رهبران و بنیان‌گذاران سازمان بهمراه رفیق هم‌رزمش فدائی خلق رحمت‌الله پیروندیری در حالیکه در خانه تیمی واقع در نیروی هوائی در محاصره صدها تن از نیروهای ساواک و پلیس قرار گرفته بودند، پس از یک نبرد قهرمانانه با آخرین گلوله خود بزندگی سراسر شورمبارزه خویش پایان دادند و مرگ را به اسارت در دست دژخیمان ترجیح دادند.

رفیق کبیر امیر پیروی پویان فعالیت انقلابی خود را دوشادوش رفیق مسعود احمدزاده آغاز کرد و بعدها با تفاق مسعود و عباس مفتاحی به سازماندهی اولین گروه پرداخت.

رفیق پویان در آخرین اثر خود "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء" بر لزوم مبارزه‌ای پیگیر و بقای رزمنده در مقابل بقای منفعل تاکید ورزید و با برخورد دیالکتیکی خود گره کور جنبش را که در غلطیدن بورژوازی در تئوری متافیزیکی محافل بود، بازشناخت و در مقابل آن آلترناتیونی نوینی ارائه داد. او با شناخت عینی از ضعف حرکت روشنفکران انقلابی دهه چهل، خمودگی، رکود و نخوت و انفعال را که محصول تسلط طولانی اپورتونیسم بیکران حزب توده بر جنبش کارگری ایران بود، از هم درید و "بودن" و بیهوده "بودن" را بی‌رحمانه زیر تا زیانه نقد کشید و "چگونه بودن" را راه‌گشای حرکت انقلابیون دوران خود قرار داد. او با درک خلاق از ضرورت حضور رزمنده پیشاهنگ، سنگ بنای دیدگاه نوینی را پی افکند و در بنیان‌گذاری سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران نقش ارزنده‌ای ایفاء کرد.



گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق قاسم سیادت

اودر تحقق سازماندهی طبقه کارگر، چنان‌هراسی در دل دژخیمان سرمایه ایجاد نمود که رژیم شاه برای اجرای حکم اعدام او و یارانش بنمایش خیابانی دست یازید. نمایشی که بر خلاف انتظارشان، اهمیت پیدایش فدائی را بگوش جهانیان رسانید.

رفیق مسعود با درک عمیق از موقعیت سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران و با شناخت واقعی از وضعیت پیشاهنگ انقلابی و تاثرات زیانبار سیاست‌های رفرمیستی حزب توده، مبارزه قاطعانه‌ای را علیه همه و هرگونه بقای انفعالی و پاسیفیسم روشنفکری در پیش گرفت و مسیر حرکت پیشاهنگ را برای تغییر واقعیت موجود ترسیم نمود.

رفیق کبیر مسعود احمدزاده از چنان خلایقی برخوردار بود که جنبش نوین کمونیستی ایران کمتر کادری را همردیاف او میشناسد. تغییر واقعیات در جهت منافع طبقه کارگر، نفی دیالکتیکی اشتباهات گذشته و مبارزه پیگیر و انقلابی در راه آرمان سرخ کارگران، این اصلی است که مسعود با پایه‌گذاری سنت مبارزه قهرآمیز زندگی پرافتخارش را در راه آن فدا نمود.

در تپه‌های اوین آماج گلوله‌های دژخیمان ساواک قرار گرفت، همیشه و در همه حال پیشتاز شناخت واقعیت‌ها و راه‌گشای عرصه‌های نوینی برای تلاش‌های مجدانه در جهت احیاء و سازماندهی جنبش کمونیستی ایران بود.

رفیق بیژن با تحلیل واقعیت آنچه حزب توده بود و طرداساسی آن، وظیفه کمونیست‌ها را شرکت در مبارزه عملی و سازماندهی مستقل از حزب توده و در جهت نفی موجودیت آن قرار داد و با تمامی محافلی که قصد جرح و تعدیل خط‌مشی حزب توده و احیاء مجدد آن را داشتند، مرزبندی نمود.

رفیق جزنی در هیچ شرایطی از مبارزه باز نمی‌ماند. پس از دستگیری و در زندان همچنان از سازماندهندگان حرکات اعتراضی و مبارزات زندان بود، در عین حال برای تدوین تئوری جنبش انقلابی تلاش فراوانی بکارگرفت. سرانجام رژیم شاه در هراس از نقش رفیق جزنی در هدایت مبارزه انقلابی، او را بهمراه ۶ رفیق فدائی به جوخه‌های اعدام سپرد. یاد رفیق کبیر بیژن جزنی همواره در قلب کمونیست‌ها زنده خواهد ماند.

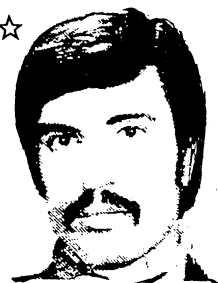
☆



هشتم تیرماه ۱۳۵۵ کارگران وزحمتکشان منطقه مهرآباد جنوبی شاهد یکی از بزرگترین حماسه آفرینی‌های چریک‌های فدائیان خلق بودند. در آن روز رفیق کبیر حمید اشرف به‌مراه تنسی چند از هم‌زمانانش درحالی‌که به‌محاصره‌صدهاتن از نیروهای سرکوبگر رژیم سلطنتی درآمده بودند تا آخرین گلوله به‌مقاومتی دلورانه دست زدند و ضمن بهلاکت رساندن شمار زیادی از مزدوران، سرافراز در راه سرخ آرمان‌های پرولتاریا جان باختند.

رفیق حمید اشرف فعالیت انقلابی خود را در سال ۴۲ و با پیوستن به گروه جزئی آغاز نمود. سپس به عضویت تیم رفیق سعید کلانتری درآمد و چون رهبری و عمده‌اعضای تیم زیر ضربه‌های ساواک قرار گرفتند، رفیق حمید در رهبری تیم قرار گرفت و برق آسا آنرا بازسازی کرد. در مقطع رستاخیز سیاهکل مسئولیت ارتباط تیم شهروکه را برعهده داشت و پس از ضربات سال ۵۰ با عزمی استوار و آهنین سازمان

☆



در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۶۰، سرب مذاپ گلوله‌های مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به‌قلب پرتیش رفیق محسن مدیرشانه‌چی باریدن گرفت و رفیق محسن از میان خیل رفقای پاک‌باخته‌ما بخاک افتاد و جان باخت.

رفیق محسن مدیرشانه‌چی یکی از کادرهای برجسته سازمان و چهره‌آشنای جنبش کمونیستی ایران، در سال ۱۳۲۷ در تهران و در خانواده‌ای متولد شد که راه مبارزه در آن بصورت یک سنت الهام‌بخش، همه چهار فرزند خانواده را به‌خط سرخ و خونین مبارزه در راه آرمان‌رهنمایی کارگران و زحمتکشان کشانید و آنان را چنان پروراند و آموخت که تا واپسین دم حیات به آرمان والای طبقه کارگرو وفادار ماندند.

رفیق محسن مبارزاتش را از دوران دبیرستان آغاز کرد و در دانشگاه یکی از فعالین جنبش دانشجویی در سال‌های پیش از ۱۳۵۰ بود. در

☆



را از نواحیاء نمود. رفیق حمید اشرف که به نقش و اهمیت سازمان در جنبش انقلابی آگاهی داشت و ضرورت ادامه‌کاری و بقا رزمنده آن را بمثابه یک تشکیلات کمونیستی با تمام وجود درک میکرد، در مقابل دشواری‌ها به استواری کوه می‌ایستاد و با جسارت کمونیستی شرایط لازم را برای پیشبرد حرکت سازمان مهیا میکرد.

رفیق حمید در زندگی مبارزاتی‌اش نمونه بارز یک انسان طراز نوین، انقلابی حرفه‌ای و سازمان‌نگری کاردان و ورزیده بود. او برای عموم مبارزان اسطوره‌ای بود که با بینش شگرف و توان تصمیم‌گیری و قاطعیت انقلابیش چهارده بار خط محاصره دشمن را شکست و مزدوران شاه را گنج و سردرگم بر جای نهاد. او رهبری توانا بود و ضرورت انضباط آهنین و تشکیلات انقلابی را کاملاً درک میکرد و بر لزوم پیوند با طبقه کارگر تاکید می‌ورزید.

شهادت رفیق کبیر حمید اشرف اگرچه ضایعه بزرگی برای سازمان ما و جنبش کمونیستی ایران بود، لیکن استواری، قاطعیت و ایمان سرشار او به آرمان کمونیسم و تجربیات و آموزشهای او در زمینه سازمان‌نگری و تلفیق تئوری و عمل انقلابی، برای همه مبارزین راه سوسیالیسم پایدار و جاودانه مانده است.

★

همان دوره رفیق یکبار توسط ساواک دستگیر و به یکسال حبس محکوم شد. در سال ۵۲ در ارتباط با سازمان مجدداً دستگیر شد تا شاید اطلاعاتش را از میان اعماق زخمهای بدنش بیرون بکشند. اما شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان کارساز واقع نشد و رفیق محسن اسرار نهفته در سینه پرکینه‌اش را همچنان حفظ نمود. در آن سال‌های سیاه، رفیق محسن بعنوان یکی از عناصر پیشرو و کمونیست نقش بس مهمی در حفظ و گسترش روحیه مقاومت و ستیزه‌جویی در میان زندانیان سیاسی ایفاء نمود و پس از قیام همه توانائیش را در پیشبرد خط سازمان بکار بست.

همزمان با بروز و رشد اپورتونیسیم و فرمیسم در مرکزیت سازمان، محسن در زمره نخستین رفقای بود که با خط و مرز صریح و انقلابی به‌طرد و افشای اکثریت خائن کمیته مرکزی پرداخت. پس از انشعاب رفیق محسن بعنوان عضو هیئت اجرائی و سپس کادر مرکزی سازمان در بازسازی تشکیلات کوشش خستگی‌ناپذیر از خود نشان داد. در کنگره اول سازمان که رفیق محسن بریاست آن برگزیده شد، مجدداً به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید. اما تنها چند روز پس از کنگره، رفیق محسن در یک نبرد خیابانی با مزدوران رژیم به شهادت رسید و خونش آدین بخش راه سرخ کارگران گشت.

رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) هم‌رزم رفیق حمید اشرف، هم‌سنگر رفیق دکتر اعظمی لریستانی، یکی از فرماندهان مجرب و بی‌نظیر نظامی سازمان، مسئول تشکیلات کردستان و عضو کمیته مرکزی سازمان، در سیزدهم آبان ۱۳۶۰ در حین انجام یک مأموریت تشکیلاتی با پاسداران سرمایه در شهر آمل درگیر شد و پس از کشته و زخمی ساختن یک اکیپ گشتی دشمن، به‌مراه رفقای هم‌رزمش فدائیان خلق مسعود بربری و علیرضا صفری در یک نبرد حماسی شهادت رسید و با خون خود پرچم سرخ سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران را گلگون تر ساخت.

رفیق کبیر اسکندر، در سال ۱۳۳۴ در روستای گرزگل لریستان دیده‌به‌جهان گشود. از همان دوران نوجوانی با فقر و محرومیت توده‌های زحمتکش آشنا شد و عشق عمیقی نسبت به آنان در وجودش پا گرفت. هنوز به سن ۱۸ سالگی نرسیده بود که با تمام وجودش علیه ستم و بی‌عدالتی بپاخاست و دوشادوش رفیق شهید دکتر اعظمی لریستانی به مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق اسکندر در سال ۱۳۵۴ مستقیماً با سازمان در ارتباط قرار گرفت و بخاطر خصائل برجسته و انقلابیش به عضویت سازمان پذیرفته شد و در کنار رهبر کبیر سازمان حمید اشرف، به فعالیت انقلابی خود ادامه داد.

رفیق اسکندر در طول زندگی مبارزاتی‌اش در دهها عملیات نظامی شرکت کرد و فرماندهی عملیات را برعهده گرفت که از آن جمله میتوان حمله مسلحانه به قرارگاه شماره ۲ پلیس تهران، حمله به کلانتری تبریز، انهدام پاسگاه لاهیجان در سال ۵۴، حمله مسلحانه به پاسگاه رودسر به حمایت از دهقانان محروم منطقه، اعدام انقلابی سرهنگ مزدور زمانی پور در مشهد در دوران رژیم شاه و عملیات حمله به ستون نظامی دشمن در دارسون در دوران رژیم جمهوری اسلامی را نام برد.

گرچه بیش از ۸ سال از شهادت رفیق کبیر اسکندر می‌گذرد لیکن هنوز هم بسادگی نمیتوان باور کرد که او از میان ما رفته است. هر لحظه تداعی خاطره‌های حماسی اسکندر، او را با تمامی پاکی و صداقت‌اش و با تمامی قدرت و صلابت‌اش در صفوف سازمان زنده و مجسم می‌نماید.

★

پتک است خون من ، در دست کارگر

داس است خون من ، در دست بزرگر

عباس	*چما زکتی*	مسعود	*پرورش*	حمید	*اکرامی*	گلی (لیلا)	*آبکناری*
محمدرضا	*چمنی*	محمد	*پیروزی*	روح‌اله	*الماسی*	بهمن	*آبگرمیان*
محمد	*چوپا نژاده*	-	*پیروین*	علیرضا	*الماسی*	بهوش	*آدریان*
حسین	*چوخاچی*	جعفر	*پشامی*	حسین	*الهباری*	محمد (بهروز، بهنام)	*آراز*
	. . .	خسرو	*پناهی*	داوود	*امیراحمدی*	علی‌نقی	*آرش*
مهدی	*حاتمی*	علیرضا	*پناهی*	بهزاد	*امیری دوان*	ابوبکر	*آرمان*
مهوش	*حاتمی*	فتحعلی	*پناهیان*	بهنام	*امیری دوان*	حمید	*آریان*
مرتضی	*حاج شفیع‌ی‌ها*	جعفر (خشیار)	*پنجه‌شاهی*	محمود	*امین زاده*	سعید	*آریان*
عبدالکریم	*حاجیان سه‌پله*	سیمین	*پنجه‌شاهی*	یحیی	*امین نیا*	حمید	*آزادی*
حسن	*حامدی مقدم*	عبداله	*پنجه‌شاهی*	جلیل	*انفرادی*	همایون	*آزادی*
-	*حسن*	نسرین	*پنجه‌شاهی*	منوچهر	*اویسی*	بهمن	*آزنگ*
علی	*حسن پور*	ابراهیم	*پوررضا خلیق*	نادر	*ایادی*	فریدون	*آشوری*
فاطمه	*حسن پوراصیل*	جمشید	*پورقاسمی*	عبدالرضا	*ایرواسی*	بهرام	*آق‌آنا بای*
غفور	*حسن پوراصیل*	غلامعلی	*پورنغمه*	احسان‌اله	*ایمانی*	فردوس	*آقا ابراهیمیان*
خیراله	*حسن‌وند*	نادعلی	*پورنغمه*	ونداد	*ایمانی*	زهرا	*آقاسی قلهکی*
محمدعلی	*حسینی*	قریانعلی	*پورنوروز*		*. . .*	لادن	*آقا*
	حسینی بزرگ‌آبادی رشید	امیرپیرویز	*پویان*	محمود	*بابائی*	نسترن	*آقا*
	حسین زاده کرمانی‌های	مهدی	*پهلوان*	هاشم	*بابا علی*	پریدخت (غزال)	*آبتی*
قرنی	*حسینی*	محمد	*پیروز زاده جهرمی*	-	*بابک*	-	*ابراهیم*
افسرالسادات	*حسینی*	عبدالمجید	*پیروندیزی*	مسعود	*باختری*	مهروش	*ابراهیمی*
سیدحسین	*حسینی*	رحمت‌اله	*پیوسته حاجی محله*	نعمت	*باشعور*	عسگرحسین	*ایرده*
سیدقربان	*حسینی*	سلیمان	*. . .*	حسین	*باطبی*	محمدعلی	*ایرندی*
سیدربیع	*حسینی*	ابوالقاسم	*تاجعلی*	جها‌نگیر	*باقری پور*	محمد	*احمدزاده*
فاطمه	*حسینی زهی*	عباس	*تیریزی*	علیرضا	*بانژاد*	مسعود	*احمدزاده*
صمد	*حسینی مستغان*	ابوالقاسم	*تجلی*	غلامرضا	*بان‌آی*	نادره	*احمد‌هاشمی*
رضا	*حق بیان*	خسرو	*تره‌گل*	فریدون	*براتی*	هوشنگ	*احمدی*
اکبر	*حق نواز*	حسین	*تدریسی*	عبدالحسین	*برادران خسروشاهی*	نعمت	*احمدی*
محمدحسین	*حمیدی*	رحیم	*تشرکی*	احمد	*برارپور*	محمدرضا	*احمدی*
ابوبکر	*حواری‌نسب*	یعقوب (امیر)	*تقدیری*	اسماعیل	*برزگر*	همت	*احمدی*
جلیل	*حیدریان*	محمدعلی	*تقی‌زاده*	مسعود	*بربری*	مرضیه	*احمدی اسکویی*
علی‌اکبر	*حیدریان*	مریم	*توسلی*	مسعود	*بشردوست*	سعید	*احمدی لاری*
کبری	*. . .*	ناصر	*توفیقیان*	اسداله	*بطحانی*	بهروز	*احوندی*
غلامحسین	*خاکباز*	حمید	*توکلی*	محسن	*بلبل‌صفت*	جلیل	*اراضی*
محمود	*خاموشی*	سیمین	*توکلی*	میترا	*بنده خدا لنگرودی*	جعفر	*اردبیل‌چی*
عطا	*خانجانی*	منصور	*. . .*	هادی	*بهاری پورفرکوش*	بهروز	*ارمعانی*
مهدی	*خانزاده*	علی	*جابری*	علیرضا	*بهای پور*	مهدی	*اسحاقی*
رحیم	*خدا دادی*	علی	*جدیدی*	منوچهر	*بهرامی*	نوکل	*اسدیان*
مرتضی	*خدا مرادی*	حسین	*جرجانی*	عزت (موسی)	*بهرامی سامانی*	سامک (اسکندر)	*اسدیان*
غلامعلی	*خراطیور*	بیژن	*جزنی*	هیبت‌اله	*بهرورزیا*	اشاء:اله	*اسدیان*
سیروس	*خرده‌بین*	مسعود	*جعفرپور*	بهروز	*بهشتی*	-	*اسکندر*
طاهره	*خرم*	فریدون	*جعفری*	منصور	*بهکیش*	مصوم (مهران)	*اسکندری ترغانی*
احمد	*خرم‌آبادی*	اصغر	*جعفری جزایری*	اشرف	*بهکیش*	-	*اسعد*
مجتبی	*خرم‌آبادی*	ابراهیم	*جلالی*	محمدرضا (کاظم)	*بهرام*	-	*اسماعیل*
محمدعلی	*خسروی اردبیلی*	خاطره	*جلالی*	بهرام	*فرزاد*	علی	*اشترانی*
امیرحمید	*خشیار*	غلامرضا	*جلالی*	فرزاد	اسماعیل	حمید	*اشرف*
علی	*خصوصی*	حسن	*حلالی نائینی*	اسماعیل	بیدشهری	اشرف زاده کرمانی منزله	*اشرف زاده کرمانی منزله*
علی	*خلیقی*	احمد	*جلیل افشار*	زهرا	*بیدشهری*	هادی	*اشکافی*
محمود	*خلیلی*	محمد	*جلیل‌وند*	صبا	*بیژن زاده*	انور	*اعظمی*
علی‌محمد	*خوجه*	عباس	*جمشیدی رودباری*	احمد (حمید)	*بیک محمدی*	فاطمه	*افدرنیا*
ابراهیم	*خیری*	بیژن	*جنتی*	فرزاد	*بیگری*	بیروین	*افروزه*
	. . .	محمود	*جنتی*	غلامحسین	*بیگی*	محمد	*اقبالی*
فرزاد	*دادگر*	سعید	*جوان‌مولائی*		*. . .*	هوشنگ	*اقبالی*
فرهاد	*دادور*		*. . .*	اکبر	*پارس‌کیا*	مهدی	*افتد ارمنش*
عباس	*دانش بهزادی*	محمد	*چشم‌براه*	محمدعلی	*پاریا*	احمد	*افدسی*
کرامت‌اله	*دانشیان*	وجیه‌اله	*چشم‌فروز*	سعید	*پایان*	ظهورت	*اکبری*
				جها‌نخش	*پایداری*	حمل	*اکبری آدر*

حسین	*علیزاده	فریبا	*شفیعی	حسن	*سبعث	مسعود	دانیالی
غفور	*عمادی	قربان (آرقا)	*شفیعی	محمد	*سیاسی	پرویز	داوری
پرویز	*عندلیبیان	نورمحمد	*شفیعی	ایرج	*سپهری	علی کرم	داوودی
	*. . .	یعقوب	*شکرالهی	سیروس	*سپهری	علی	دبیری فرد
کاظم	*غیرائی	فیروز	*شکری	فرخ	*سپهری	شیرمحمد	درخشنده توماج
عزت (رفیق مادر)	*غروی	مصطفی	*شمس الدینی	تیمور	*ستاری	آراز محمد	سردی پور
فریده	*غروی	مسعود	*شوقیان	محمد رضا	*ستوده	جمشید	دژ آگاه
عبدالرضا	*غفوری	علیرضا	*شهاب رضوی	زاهد	*سجادی	مریم	دژ آگاه
جواد	*غفوربان	بهزاد	*شهلائی	آنه بردی	*سرافراز	مصطفی	دقیق همدانی
علی اصغر	*غلامی	محمد رضا	*شهنواز	جهان بخش	*سرخوش	-	دکتر نریمسا
احمد (هادی)	*غلامیان لنگرودی	کاظم	*شهیدی ثالث	حسن	*سرکاری	جعفر	دلیر
	*. . .	کریم	*شخی	عظیم	*سرعتی	بهروز	دهقان
هادی	*فاضلی	-	*شیرین	عزیز	*سرمدی	جلال	دهقان
پروین	*فاطمی	-	*. . .	حسن	*سعادتی	صدیق (دکتر بهرام)	دیده ور
حسین	*فاطمی	-	*صادق	حمیدرضا	*سعادتی		. . .
مرتضی (امیر)	*فاطمی	احمد	*صادق	کاظم	*سعادتی		راست خدیو
ناصر	*فتوحی	اسکندر	*صادق نژاد	-	*سعید	بهمن	رجائی
مرتضی	*فخرطباطبائی	مسعود	*صارمی	منصور	*سعیدی	ژیلا	رحمتی
فرشید	*فرجاد	حسن	*صالحی	عبداله	*سعیدی بیدختی	مسعود	رحیمی
هادی	*فرجادی	فرشید	*صویری	جواد	*سلاحی	اسکندر	رحیمی
حسن	*فرجودی	فیروز	*صدیقی	کاظم	*سلاحی	عزیز محمد	رحیمی
مسعود	*فرزانه	فرهاد	*صدیقی پاشاکی	حسین	*سلاحی	محمد ظاهر	رحیمی علی آبادی
منصور	*فرسا	محمد	*صغاری آشتیانی	یداله	*سلسبیلی	علی	رستمی
محمد رضا	*فرشاد	علی اکبر	*صغاری فراهائی	سعید	*سلطان پور	قلی	رسولی
-	*فرشید	حمید	*صغری	خلیل	*سلیمان نژاد	مصطفی	رشت چی
منصور	*فرشیدی	علیرضا	*صغری	احمد	*سلیمانی	زین العابدین	رشوند سرداری
زهرا	*فرمانبردار	غلامرضا	*صغری	ناصر	*سلیمی	ابوالقاسم	رضائی
محمد تقی (هما یون)	*فرومند	محمود	*صمدی	محمد رحیم	*سمائی	محمد	رضوی
-	*فرهاد	عبداله	*صوفی زاده	مهدی	*سمعی	محسن	رفعتی
مسرور	*فرهنگ	فرزاد	*صیامی	جها نشاه	*سمعی اصفهانی	مینا	رفیعی
احمد	*فرهودی	حسن	*. . .	خشایار	*سنجری	مسعود	رقابی
-	*فرید		*. . .	کیومرث	*سنجری	شفیع	روائی
محمد رضا	*فریدی	طالب زاده شوشتری	*. . .	مهدی	*سوالانی	شهناز	روحی آهنگران
مهدی	*فضیلت کلام	رحمت	*طالب نژاد	عباس	*سورکی	اعظم السادات	روحی آهنگران
انوشه	*فضیلت کلام	جهانگیر بهمن بیگلو	*طالبی	ولی	*سوسنی	بهمن	روحی آهنگران
	*فضیلت کلام معاضد شیرین	منیژه	*طالبی	ژیلا	*سیاب	نزهت السادات	زودگریان
مناف	*فلکی	اقبال	*طا هرخوا	قاسم	*سیادتی	اسماعیل	روغن چی
محمد مهدی	*فوقانی	جهان بخش	*طغیانی	رضا	*سیدالشهدائی	فاطمه	رهمیر
ماهرخ	*میاض	احمد	*طهما سبی	قاسم	*سیدیا قری	بهمن	رهمیر
	*. . .	حسن	*طولابی	مجید	*سیدی	سعد	رهمیری
مظفر	*قادری		*. . .	ناصر	*سیف دلیل صفائی	کاووس	رهنذر
مارتک	*قازاریان		*. . .	بابک	*سیلابی	نصرت	. . .
بهنام (شیرام)	*قاسم زاده رضوی	ظریفی بامیان چوبداری علیرضا	*. . .	-	*سینا	عباس	زارج
محمود	*قاضی پور		*. . .	فریدون	*شافتعی	یداله	زارع کاربیزی
	*قانع خشک بیجاری یوسف	اسماعیل	*عابدی	خدا بخش	*شالی	قریانعلی	زرکاری
چنگیز	*قبادی	-	*عباس	علیرضا	*شاه بابائی	یوسف	زرکاری
کرامت	*قبادی	منصور	*عبدالپناه	مریم	*شاهی	حسن	زکی زاده
رمضان	*قربانی	علی	*عبدالعلی زاده	قدرت اله (مجید)	*شاهین سخن	فرامرز	زمان زاده
خسرو	*قره داغی	عبدالکریم	*عبداله پور	ارژنگ	*شایگان شام اسبی	غلام	زندگی
فریا	*قریبی	بهروز	*عدی	ناصر	*شایگان شام اسبی	احمد	زیرم
ابوالفضل	*قرنل ایاق	اصغر	*عرب هریسی	ابراهیم	*شایگان شام اسبی	فقیر محمد	زین الدینی
محمد رضا (امیر)	*قصاب آزاد	مسعود	*عرفان	رحمت	*شرفی	غلامحسین	زینی و نژاد
سیروس	*قصرین	محمد جواد	*عرفانیان	فرامرز	*شرفی		. . .
جهانگیر (جهان)	*قلعه میانندوب	محمد رسول	*عزیزیان	مجید (هما یون)	*شرفی	محمد علی	سالمی
مختار	*قلعه ویسی	محمود	*عظیمی بلوریان	عباسعلی	*شرفیان		
احمد رضا	*قنبر پور	سعد	*عقیقی	داریوش	*شفا هیان		
محمد رضا	*قنبر پور	کاظم	*علوی	شهسوار	*شفیعی		
محمد	*قنبر زاده	-	*علی				
	*. . .	رویا	*علی پناه فرد				



۲۵ اسفند روز شهدای سازمان

کارگران و زحمتکشان ایران!

بیست و پنج اسفند روز شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، روز بزرگداشت حماسه آفرینی، از خودگذشتگی، فداکاری و قهرمانی صدها شهید فدائی است که برغم سیاهترین دیکتاتوریهایی حاکم بر ایران، به وظیفه انقلابی خود در قبال طبقه کارگر عمل کردند و دلاورانه با خصم طبقاتی جنگیدند و بخاطر دفاع از آرمانهای کمونیستی خود جان باختند.

از همان ایام که نخستین شعله های مبارزه فدائیان خلق در جنگل های سیاه گل زیبا نه کشید، از همان هنگام که فدائیان خلق با نقد شرایط موجود و خیانکاری و مداخلات طلبی حزب توده با توسل به عمل انقلابی پایان یک دوره رکود و بی عملی را اعلام کردند، از همان هنگام که توده های کارگر و زحمتکش در عمل دیدند که فدائیان خلق، این پیشاهنگان طبقه کارگر، مظهر مبارزه جوشی و زبان گویای کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایرانند، از همان زمان فدائی به سمبل مبارزه جوشی و ورزندگی طبقه کارگر تبدیل شدند و فدائی در میان توده ها پرآوازه گشت. حماسه سیاه گل نویدبخش سرآغاز مبارزه ای بود که دلیرترین و انقلابی ترین فرزندان طبقه کارگر علیه نظام موجود برپا کردند. رژیم شاه هر اسان شد و دیوانه و ارباب دستگیری و شکنجه فدائیان روی آورد تا بلکه آتشی را که در سیاه گل نثار فروخته شده بود، خاموش سازد. اما چگونه ممکن بود؟ ایمان خلل ناپذیر فدائیان به آرمانهای والای کمونیستی، وحشیانه ترین شکنجه ها را بی اثر می کرد. این استواری و پایداری فدائیان، طبقات ارتجاعی را جری تر کرد، صدها فدائی به جوخه های تیرباران سپرده شدند تا در درگیری مسلحانه با مزدوران جان باختند اما مبارزه ادامه یافت، آتش برافروخته در سیاه گل اکنون در سراسر ایران زیبا نه میکشد. آنچه در نبرد با طبقات ارتجاعی به فدائیان نیرو میبخشد، عشق به طبقه کارگر و ایمان به رسالت این طبقه و آرمان والای بشریت استمیدیه، کمونیسم بود. بذرها که ۹ سال مبارزه بی امان فدائیان در میان توده کارگر و زحمتکش پاشیده بود سال ۵۷ جوانه زد. بیهوده نبود که در انقلاب ۵۷، آنگاه که توده ها برای سرنگونی رژیم شاه به مبارزه ای قهرمانانه برخاستند، فدائی به سمبل و تبلور آرمانهای پیشروترین و آگاهترین کارگران تبدیل شد. بیهوده نبود که آگاهترین بخش کارگران، تجسم آرمانهای بیدار شده خود را در خط مشی انقلابی و اعتقادات فدائی جستند. همزمان با قیام هزاران کارگر و زحمتکش شریف، بسوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روی آوردند. سازمان ما بحثا به سازمان پیشرو کارگران در تمام عصرها به سازمان ندهی مبارزه توده ها پرداخت. سازمان ندهی کارگران در کارخانه ها و محلات، سازمان ندهی شوراها، شوراهای دهقانان زحمتکش ترکمن، در کردستان و... آری فدائیان خلق در تمامی عرصه های مبارزه کارگران و توده زحمتکش فعالانه شرکت جستند و بذراگاه هی رادریان کارگران و زحمتکشان افشاندند. اینهمه تلاش و از خودگذشتگی فدائیان خلق در گسترش آگاهی طبقاتی میان کارگران در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم و نشان دادن یگانه راه رهایی آنان، نمیتوانست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را به هراسی مرگبار نیفکند و آنرا دیوانه و ارباب و انکش و اندارد. رشد و اعتلاء مبارزه کارگران و زحمتکشان، بورژوازی را به رعشه ای مرگبار دچار ساخته بود از اینرو به مقابله دیوانه و ارباب علیه فدائیان خلق برخاست. هنوز نخستین روزهای پس از قیام بود که دهها فدائی بدست باندهای سیاه وابسته به حکومت ترور شدند. چیزی نگذشت که زندانها انباشته شد. دستگیریهای گسترده، شکنجه های وحشیانه، چوبه های دار و جوخه های تیرباران، پاسخ ارتجاع حاکم به فعالیت آگاه هگران و سازمان نگران فدائیان خلق بود. رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون رژیم شاه فدائی را آماج اصلی تهاجم خود قرار داد چرا که میدید فدائیان خلق، توده ها را به نافرمانی علیه بورژوازی و مرتجعین فرا میخواندند، میدید که کارگران منافذ طبقاتی خود را در آرمانهای کمونیستی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یافته اند. اگرچه در این مقطع خائنین اکثریتی به طبقه کارگر و توده های مردم پشت کردند و راه بندوبست با ارتجاع حاکم را در پیش گرفتند اما "اقلیت" راه پرافتخار فدائیان را ادامه داد. اقلیت با پایبندی به آرمانهای کمونیستی فدائیان شهید و با دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان راه پرفراز و نشیبی را پیمود که علی رغم افت و خیزها مالا مال از مبارزه علیه ستمگران و استثمارگران و عشق به کارگران و زحمتکشان است. طی بیست سال مبارزه بی امان سازمان ما علیه بورژوازی و تلاش برای متشکل ساختن و آگاه نمودن کارگران صدها فدائی شامل رفقای کار در رهبری، اعضا عوهاداران سازمان بخاطر دفاع از آرمانهای خود، با سری افزاشته در مقابل دژخیمان ایستادند و مرگ را پذیرا شدند.

در سراسر دوران حیات سازمان، مرتجعین شدیدترین پیگردها و وحشیانه ترین شکنجه ها را علیه فدائیان بکار گرفته اند و بیرحمانه این قهرمانان دفاع از منافع کارگران را کشتار کرده اند، تا مگر روحیه مبارزه جوشی و ورزندگی فدائی را در هم شکنند اما زهی خیال باطل! این بربریت و توحش طبقات ارتجاعی حاکم نه فقط نتوانسته اند که خللی در مبارزه سازمان ما پدید آورند بلکه بلعکس عزم آنها به مبارزه را سخت تر نموده است. هر چند طبقه کارگر و سازمان ما صدها رفیق فدائی، صدها تن از پیشروترین و آگاهترین کمونیست ها را از دست داده اند، هر چند صدها خانواده، پدران و مادران، خواهران و برادران، همسران و فرزندان رفقای شهیدمان، بهترین و ارزنده ترین عزیزان خود را از دست داده اند، اما آنها نمرده اند، آنها بعنوان قهرمانان راستین تاریخ بشریت، مدافعین پیگیر رهایی ستمدیدگان و استثمارشدگان، سمبل مبارزه برای انسانی ترین آرزوها و آرمانهای بشریت، زنده اند و تا ابد زنده خواهند بود و راه پرافتخار آنها را هزاران نودها هزار فدائی دیگر ادامه خواهند داد.

در آستانه ۲۵ اسفند روز گرامی داشت شهدای فدائی، با دیگر رفقای شهیدمان بیمان مینیمیم که راه آنها را ادامه دهیم، محکم و استوار به پیش روییم، و پیگیرانه علیه مرتجعین و استثمارگران مبارزه کنیم.

دردبیکران بر تمام رفقای شهید

تنگ و نفرت بر مرتجعین و استثمارگران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

رضا	* بیثربی	فاطمه (شمسی)	* نهانی	زهره	* مدیرشانه چی	عباس	* کامیابی
جمیل	* بیخجالی	هوشنگ	* نیری	محسن	* مدیرشانه چی	علی	* کارگر
پوران	* یدالهی	فریدون	* نیک جو	فرشاد	* مرعشی	غلامرضا	* کاروردیان حاجی
علیرضا	* یراق چی	ابوالقاسم	* نیکیه همدانیان	-	* مسعود	چواد	* کارشی
رشید (سمکو)	* یزدان پناه	حسن	* نیک داودی	اکبر	* مسلم خانی	محمد	* کاسه چی
اسعد (شاهو)	* یزدانی	محسن	* نیک مرام	شعاع الدین	* مشیدی	چواد	* کاشی
عبداله	* یزدانی	حسین	* نیکوکار	محمدعلی (امیر)	* معتقد	ملزیا	* کامطی
مهدی	* یوسفی	طواق محمد	* واحدی	قاسم	* معروفی	محمدرضا	* کامیابی
	•••••	هوشنگ	* والی زاده	محمد	* معصوم خانی	کیکا ووس (عباس)	* کامیاران
	☆	علی اکبر	* وزیر	حسن	* معصومی همدانی	-	* کاوه
	☆	مجید	* ولی	عزت اله	* معلم	ابراهیم (شریف)	* کردی
	☆	-	•••••	رفعت	* معماران بنام	سعیده	* کریمان
		شاهرخ	* هادی	سعید	* معینی	عثمان	* کریمی
		محمدرضا	* هدایتی	اسماعیل	* معینی عراقی	فتح اله	* کریمی
		حمیدرضا	* هدایتی	محمدابراهیم	* مفتاح	مرتضی (ایوب)	* کریمی
		علیرضا	* هزارخانی	اسداله	* مفتاحی	محمد	* کس ترانی
		ابوالقاسم	* همایون پیرزاده	عباس	* مفتاحی	یوسف	* کشی زاده
		گودرز	* همتی	ایوب	* ملکی	عبدالرضا	* کلانتر نیستانی
		فریده	* همدانی	فرزاد	* ملکی	سعید	* کلانتری
		پیام	* هندجانی	محمدعلی	* ملکوتیان	منوچهر	* کلانتری نظری
		عباس	* هنریار	علی	* مملی	-	* کمال
			* هوشمند	احمد	* مؤمن	بردی محمد	* کوسه غراوی
			•••••	موسوی دوست موجانی حسین	* موسوی دوست موجانی حسین	حسن	* کهل
				داریوش	* مولوی	کمال	* کیانفر
				حبیب	* مومنی	احمد	* کیانی
				حمید	* مومنی	-	* کیوان
				اکبر	* موید	•••••	•••••
				گلرخ	* مهدوی	هرمز	* گرجی بیانی
				شاهرخ	* میثاقی	خسرو	* گنرجی
				علی	* میرابیون	فرشته	* گل عنبران
				شهرام	* میرانی	غلامرضا	* گلوی
				مراد (حیدر)	* میرزائی	عباس	* گودرزی
				سعید	* میرشکاری	•••••	•••••
				علی	* میرشکاری	غلامرضا	* لایق مهربانی
					•••••	حسن جان	* لنگوری
				علیرضا	* نابدل	•••••	•••••
				نقیسه	* نادره	خسرو	* بائی
				احسن	* ناهید	حمیدرضا	* مالکی
				شهریار	* ناهید	حمیدرضا	* ماهگیر
				فریدون	* نجف زاده	عبدالرضا	* ماهگیر
				ناصر	* نجم الدینی	خسرو	* مبارکی
				ناصر	* نحوی	بیژن	* محنون
				-	* نسترن	محمد	* محیدی
				پرویز	* نسیر مسلم	غلامحسین	* محیدی
				-	* نظام	ناصر	* محبی
				صادق	* نظری	جعفر	* محتشمی
				رضا	* نعمتی	محمدعلی	* محدث قندچی
				شاپور	* نفری	حجت	* محسنی کبیر
				بهاء الدین	* نگهداری	حسن	* محمدپور
				نادره	* نمازی	ماشاء اله	* محمدحسینی
				محمد	* نمازی	علی	* محمدنژاد
				علی	* نودری	احمد	* محمدی
				محمدامین	* نورائی	فاطمه	* محمدی
				محسن	* نوربخش	مهران	* محمدی
				حاجقلی	* نورقلی پور	حسین	* محمدی
				حسن	* نوروزی	حسن	* محمددیان
				نادره	* نوری	عبدالحکیم	* محتوم
				داوود	* نوری	لقمان	* مدائن
				سید	* نوزادی	داوود	* مدائن

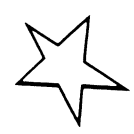


رفقای گروه آرمان خلق

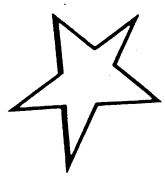
هوشنگ	تره گل
بهرام	طا هرزاده
همایون	کتیرائی
ناصر	کریمی
ناصر	مدنی



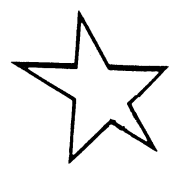
* * * * *
کرامی باد
 * * * * *
یاد شهدای گمنام
 * * * * *
سازمان
 * * * * *



آرام آ...ی مادرم، آرام
 بگذار تا سپیده برآید
 بگذار تا سپیده ببندند
 پشت مرا به تیر
 بگذار تا برآید " آتش"
 بگذار تا ستاره شلیک
 دیوانه وار بگذرد
 از کجکشان خون
 خون شعله ور شود



بگذار باغ خون
 برخاک تیرباران
 پیر پیر شود
 بگذار " تیر"
 چون جنگلی بروید
 در آفتاب خون
 فریادگر شود



این بذرهای خاک نمی ماند
 از قلب خاک میشکند چون برق
 روی فلات میگردد چون رعد
 خون است و
 ماندگار است

خاطره فدائیان شهید در قلب بزرگ طبقه کارگر زنده و جاوید خواهد ماند



- * آربین
- * اشکینه
- * اکرمی
- * اکرمی
- * الماسیان
- * ایوانی
- * بهکیش
- * پنجه شاهی
- * توکلی
- * جهانگیری
- * حسینی
- * حیاتی
- * خسروی
- * دکتر بیژن
- * دولتی
- * رازی
- * رجب پور
- * رجب زاده
- * رحیم زاده
- * رحیم زاده
- * رستم علی پور

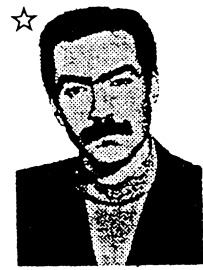
وگشتار عظیم سال ۶۷ ! در مرداد سال ۶۷ خمینی خون آشام جام زهر را سرکشید و دیوانه و اربجان زندانیان سیاسی افتاد تا از توده ها انتقام بگیرد. تنها در طول چند روز، هزاران زندانی سیاسی قتل عام شدند که صدها رفیق فدائی نیز در زمره اعدام شدگان بودند. هنوز پس از گذشت یکسال و اندی نام تمامی قربانیان این کشتار عظیم و وحشیانه بر ملا نشده است. یاد این جانباختگان راه سوسیالیسم و دمکراسی گرامی باد. اساساً تمامی تعدادی از رفقای که در مرداد دوشهریور سال ۶۷ قتل عام شدند بشرح زیر است :



- * رستمی
- * روحانی
- * ربیاحی
- * ربیاحی
- * سارمی
- * سلطانزاده اهری
- * شادمانی
- * شکری
- * ظاهری
- * عادل
- * فتاحی
- * فتحی
- * قلی پور
- * کاظمی
- * لرکی
- * مصطفوی
- * مفرد ظاهری
- * موسوی
- * مولائی
- * نصیری مقدم
-



رفیق اسداله پنجه شاهی



رفیق جلال فتاحی



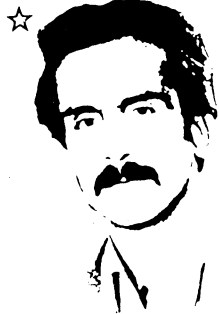
رفیق خسرو گل سرخی



رفیق سعید سلطانپور

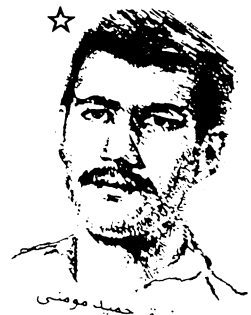


رفیق کرامت‌اله دانشیان

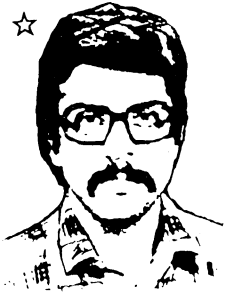


رفیق محمد قاسم سیدباقری

مرگم :
سپیده دیگری است
تا خونم
پرچم سرخ کارگران باشد
در انقلاب روشن فردا .



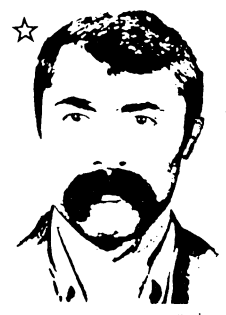
رفیق حمید مومنی



رفیق صادق نظیری



رفیق خشایار پنجه شاهی



رفیق مسعود رحمتی



در یکی از روزهای آبانماه ۶۲، دژخیمان بورژوازی نام رفیق منصور اسکندری تربقانی را از بلندگوهای بنداعلام میکنند. جلادان باردیگر کمونیستی را به مرگ محکوم کرده‌اند. رفیق منصور محکم و استوار از جای برمیخیزد، با یک یک زندانیان هم بند روبروسی میکند و با گامهائی استوار و با ایمان به پیروزی کمونیسم، بسوی میدان تیرباران می‌شتابد. لحظاتی بعد صدای رگبار، فضای اوین را میخراشد و فدائیان خلق آزموں دیگری را با موفقیت سپری میکنند.

چنین بود که سازمان رفیق دکتر منصور اسکندری (مهران) عضو کمیته مرکزی خود را از دست میدهد. رفیق منصور بسال ۱۳۲۹ در کاشمر دنیا آمد. از همان بدو کودکی توأم با درس، کار میکرد. پس از اخذ دیپلم در سال ۴۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. و فعالانه در فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشگاه شرکت کرد. با آغاز مبارزه مسلحانه در سال ۴۹ و اعلام موجودیت سازمان، رفیق منصور بسوی خط مشی سازمان روی آورد و در ارتباط با یکی از رفقای سازمان قرار گرفت. در سال ۵۱ در حالیکه ارتباط او با سازمان قطع شده بود، فعالیت خود را با یک گروه هوادار سازمان ادامه داد و در جهت تدارک تسلیحات برای گروه نقش فعالی برعهده گرفت. در دیماه سال ۵۲ توسط مزدوران ساواک دستگیر و با تحمل شکنجه‌های وحشیانه به ۷ سال زندان محکوم شد.

زندان برای رفیق عرصه دیگری از مبارزه بود و چنین بود که هم بنداناش او را منع انرژی و تلاش خستگی ناپذیر یافتند. سال ۵۷ امواج توفنده انقلاب درهای زندان‌ها را گشود و رفیق منصور عرصه وسیعتری را برای ادامه مبارزه انقلابی یافت. رفیق در نخستین روزهای پس از قیام در انتشار نشریه "کار" نقش مهمی ایفاء کرد. پس از انشعاب اکثریت، به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و تا مدتی علاوه بر عضویت در تحریریه کار، مسئولیت کمیته کارگری را نیز عهده دار بود. در اوائل سال ۶۰ رفیق مسئولیت کمیته ایالتی تهران را برعهده گرفت و تمام هم‌اش را برای برگزاری نخستین کنگره سازمان

در صفحه ۱۰

شد و اقلیت فعالیت انقلابی را تداوم بخشید. در ضربه اسفند سال ۶۰ که ارتجاع چنین مشعوف و سرخوش آنرا فریاد میکشید، سازمان تعدادی از برجسته‌ترین رفقای کار در مرکزی و تعدادی دیگر از رفقای سازمان را از دست داد. طی روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ اسفند رفقا هادی، کاظم، نظام و تعداد دیگری از رفقای سازمان به شهادت رسیدند.

★

سازمان از جمله رفیق حمید شرف بشهادت رسیدند، یک تنه به سازماندهی و بازسازی تشکیلات پرداخت. در سال ۵۷ و در روزهای قیام در تسخیر مرکز را دیوسا برارگانها فعالانه شرکت داشت. پس از قیام همچنان عضو کمیته مرکزی سازمان بود و مسئولیت‌های متعددی برعهده داشت. هادی در زمره نخستین رفقای بود که علیه اپورتونیست‌های اکثریتی به مبارزه پرداخت. فدائی و از خودگذشتگی و صداقت انقلابی، از خصوصیات برجسته او بود، سرانجام روز ۲۵ اسفند ۶۰ در پی خیانت احمد عطا الهی درگیری رودر روی با مزدوران جمهوری اسلامی بشهادت رسید.

★

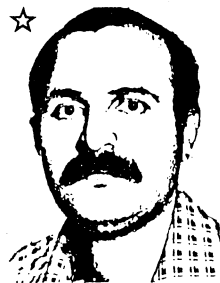
مرکز را دیوش شرکت نمود. رفیق نظام در سازمان دهی نیروهای که جذب سازمان میشدند نقش برجسته‌ای داشت. او تا شیر قاطعی در سازماندهی کارگران صنایع دفاع داشت. پس از طرد اکثریتی‌های خائن مسئولیت کمیته کارگری سازمان را برعهده گرفت. وی در تابستان ۶۰ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و در کنگره سازمان در ایفای مسئولیت ایفاء شد. سرانجام در ۲۳ اسفند بدنبال درگیری با مزدوران جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

★

سال ۵۶ به عضویت سازمان پذیرفته شد. او چه قبل و چه پس از قیام نقش قاطعی در مبارزه با اپورتونیست‌های راست داشت. او در طول زندگی مبارزاتی خود مسئولیت‌های مختلفی را در سازمان برعهده گرفت که از جمله میتوان به تبلیغات و توزیع، مسئولیت ارتش و مسئولیت امنیتی اشاره کرد او در سال ۶۰ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و همچون رفقا هادی و نظام، بدنبال خیانت احمد عطا الهی، روز ۲۴ اسفند در درگیری با مزدوران جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

★

در اولین روزهای اسفند ۶۰، بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع با شادی و شغف فراوان، از فیه وسیع برپیکر سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران اقلیت خبر دادند. جغدشوم ارتجاع از شادی در پوست خود نمیگنجید چرا که کوردلانه تصور میکرد با این ضربه وسیع، بر فعالیت انقلابی اقلیت خط پایان کشیده است. اما علیرغم این تصورات واهی، در اثر از خودگذشتگی و تلاش شبانه روزی رفقا، تشکیلات بسرعت بازسازی



رفیق کبیرا حمد غلامیان لنگرودی (هادی)، پس از حماسه سیاهکل به خط سرخ فدائیان روی آورد. وی بدلیل خصائل برجسته و صداقت انقلابی بسرعت در سازمان ارتقاء یافت و پس از ضربه سال ۵۵ که کلبه رهبران



رفیق نظام زندگی مبارزاتی را از دوران دانشجویی آغاز نمود. و در سال ۵۵ از طریق رفیق اسکندر با سازمان تماس گرفت در مقطع قیام به همراه رفقا هادی و سیادتی در تسخیر



رفیق محمدرضا بهکیش (کاظم) پس از حماسه سیاهکل فعالیت انقلابی خود را در رابطه با سازمان آغاز کرد در سال ۵۵ در ارتباط مستقیم با سازمان قرار گرفت و در

جاودان باد . . .

بود. لذا مبارزه سازمان ما ادامه یافت و صدها تن دیگر از فدائیان خلق در دوران رژیم جمهوری اسلامی بخاطر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان، دفاع از دموکراسی و سوسیالیسم جان باختند. رفقا سیامک اسدیان، منصور اسکندری، محسن مدیرشانه چی، سعید سلطانیور، قاسم سیدباقری، انور اعظمی، مسعود رحمتی و رفقای که در یورش او و آخر اسفندماه سال ۶۰ بشهادت رسیدند، رفیق هادی، رفیق نظام، رفیق کاظم بهکیش، رفیق خشایار پنجه شاهی به همراه دهها و صدها رفیق دیگر در زمره فدائیان هستند که در دوران رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسیدند و آخرین گروه از این جانبختگان راه سوسیالیسم را رفقای تشکیل میدهند که در کثرتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در مرداد و شهریور سال ۶۷، بخاطر دفاع از آرمانهای کمونیستی خود به جوخه اعدام سپرده شدند.

در این خیل شهدای سازمان گروهی از کارگران آگاه بمنافع طبقاتی خود که در زمره پیشروترین و آگاهترین کارگران ایران بوده اند رفقای همچون اسکندر صادقی نژاد، جلیل انفرادی، نوروزی، جهانگیر قلعه میاندوآب، خیراله حسن وند، برندی و هولائی و دهها رفیق کارگر دیگر در نبرد با سرمایه داری و بخاطر تحقق اهداف و آرمانهای کمونیستی خود جان باختند.

همچنین باید از دهها زن قهرمان یاد نمود که در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مبارزه کردند و در راه سوسیالیسم جان خود را فدا کردند. رفقا مرضیه احمدی اسکویی، مهرانوش ابراهیمی، شیرین فضیلت کلام، نسترن، اشرف بهکیش و دهها رفیق دیگر در زمره پیشروترین زنان کمونیستی بودند که بدست جلادان رژیم شاه و جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

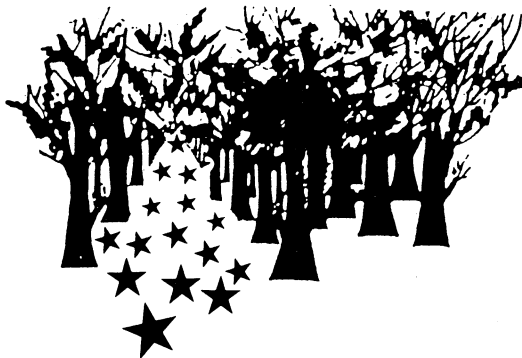
اما آیا باین همه قساوت و ددمنشی طبقاتی حاکم بر ایران مبارزه آرام گرفت؟ خیر. مبارزه پیگیرانه تر و استوارتر از گذشته ادامه یافت. هیچ سرکوب و ددمنشی مرتجعین قادر نبوده و نخواهد بود ما را از ادامه راهمان و پابیندی محکم به اهدافمان که همانا اهداف سترگ طبقه کارگراست بازدارد.

آنچه که در طول تمام دوران حیات سازمان ما، نیروی محرک این همه فداکاری، از خودگذشتگی و ایستادگی حتی در زندان و زیر شکنجه بوده است. و باعث شده است که صدها تن از رفقای فدائی ما در مبارزه علیه مرتجعین از فدا کردن جان خود نیز دریغ نورزند، همانا آرمان کمونیستی سازمان ما، دشمنی آشتی ناپذیر با هرگونه ظلم، استثمار و ربندگی، ایمان به رسالت طبقه کارگر و حتمیت پیروزی این طبقه بر بورژوازی و بنای یک جامعه کمونیستی است که دیگر در آن از طبقات استثمارگر و استثمارشونده، استثمارگر و استثمارشونده، فقر، بدبختی و سرکوب خبری نباشد و همه اعضاء جامعه بعنوان انسانهای حقیقتاً آزاد در خوشبختی و رفاه زندگی کنند.

بخاطر این اهداف و آرمانهای والای انسانی است که طی بیست سال حیات سازمان صدها فدائی در مبارزه علیه طبقات ارتجاعی جان باختند و نام پرافتخارشان را بعنوان شهدای طبقه کارگر ایران جاودانه کردند. و امروز، ما بعنوان ادامه دهندگان راه، اهداف و آرمانهای بزرگ کمونیستی شهدای فدائی، یکبار دیگر بمناسبت ۲۵ اسفند، روز شهدای سازمان، عزم استوار خود را به ادامه مبارزه تا تحقق کامل این اهداف و آرمانها اعلام میداریم.

بگذار سرمایه داران و همه مرتجعین تمام قساوت و بیرحمی خود را نشان دهند. بگذار آنها بعنوان مدافعین ظلم و استثمار، بهترین نمایندگان آرمانهای انسانی بشریت استثمارشونده دسته قتل عام کنند. جز شکست چیز دیگری عاید آنها نخواهد شد. سرانجام پیروزی از آن طبقه کارگر و کمونیستهاست. این حکم تخطی ناپذیر تاریخ است.

بکار برد ما یک هفته قبل از برگزاری، کنگره به اسارت دژ خمیان رژیم جمهوری اسلامی درآمد. رژیم با شناختی که از رفیق منصور اسکندری داشت و نیز با اطلاع از موقعیت تشکیلاتی وی، تمام نیروی خود را بکار گرفت تا شاید او را به تسلیم وادارد. اما هرچه بیشتر آلات و ادوات شکنجه را بکار برد، بیشتر معلوم شد که این مبارز کمونیست هرگز اسرار سازمانش را فاش نخواهد ساخت. بدین ترتیب رفیق منصور در زندان سمبل ایستادگی و مقاومت کمونیستها در برابر مرتجعین گردید و تا آخرین لحظه حیات پرافتخارش به آرمان رهائی پرولتاریا وفا دار ماند.



وقتی که در ترنم خوسه ها و یادها
وقتی که در سقوط دانه ها
به دامان خاک
وقتی که در پیش قلب ترکمن
شورا و کار و کشت
توماج و عزم رهائی
آواز میشود،
خورشید زنده است،
درسیا هکل
در عصیان توده ها

* * *

خورشید زنده است درسیا هکل
خورشید زنده است درسیا هکل
وقتی که در چاک چک دنده ها و چرخها
در سوت کار و خروش اعتصاب
وقتی که در خلوت زمزمه ها و آوج شعار
- پنهان و آشکار -
از شورش و قیام و رهائی
از بیژن و جهان و صفائی
یا همیشه
خورشید زنده است،
درسیا هکل

در عصیان توده ها

* * *



اکنون میان آتش و خون
قیام و جنگ
با این همه نشیب
با این همه فراز
خورشید زنده است،
درسیا هکل

در عصیان توده ها .

سنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

و ترکمن صحرا، عرصه دیگر مبارزه فدائیان خلق، عرصه دیگر سازماندهی کارگران و زحمتکشان روستایی، عرصه مبارزه برای زمین و شورا. در ترکمن صحرا نام شورا با نام فدائی و با نام شهدای ترکمن فدائی توماج، مختوم، و احدی و جرجانی عجین شده است.



رفیق شیرمحمد درخشنده توماج



رفیق طواق محمد واحدی

توماج... مختوم... و احدی... جرجانی
داس خونین دهقانان، فدائیان خلق
تورخونین صیادان، فدائیان خلق



رفیق حسین جرجانی



رفیق عبدالحکیم مختوم

.....
نگاه کن، نگاه کن
این دریای پرچم های سرخ
که بردست کودکان ترکمن صحرا
به گردش درآمده است
خون دلاوران ترکمن صحراست
خون صیادان و کشتگران است
خون زمین و شورا است
خون آوازه خوان رفیقانست
خون آوازه خوان توست، توماج
آ...ی توماج، توماج
داس خونین دهقانان، توماج
تورخونین صیادان، توماج
.....



رفیق مهرنوش ابراهیمی



رفیق منیژه طالبی (زهره)



رفیق مرضیه احمدی اسکوشی

طنی نیست سال مبارزه بی‌امتحان
فدائیان خلق شما رکنی از زبان آگشاه و
انقلابی فدائی در راه دفاع از منافع طبقه
کارگر به شهادت رسیده‌اند. زبان آگشاه و
مبارزی که با شناخت عمیق از ریشه سیاسی
ستم ممانعه، ایدئولوژی فدائیان خلق را
بگانه رهنمون مبارزه علیه هرگونه ستم و
استبداد و با تیرا برای یافتن نخستین شهیدان
فدائی مهرنوش ابراهیمی در مهرماه سال
۵۰ طنی یکدیگر تیرا برای مبارزه در راه
رزم شاه جان باخت و سپس زبان انقلابی
و گویاست بسیاری برای مهرنوش، راه سرخ
فدائیان را ندانم بخشیدند.

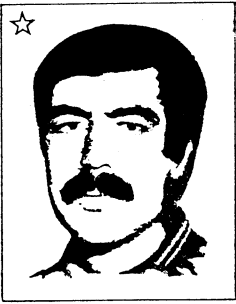


رفیق اشرف بهکیش



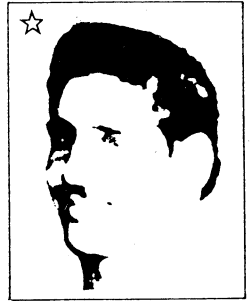
رفیق ناسترن





رفیق جهان (جها ن)

در میان فدائیان شهیدچه بسیار اندکا رگران آگاه به منافع طبقاتی خود که شم طبقاتی و آگاهی سیاسی شان سبب شدتا تجسم آرمانهای والای کمونیستی خود را در خط مشی و راه سرخ فدائیان خلق بیابند. رفقای کارگری همچون اسکندرمادقی نژاد، حسن نوروزی، جها نگیر قلعه میاندوآب، رضا مولائی، مرتضی کریمی (ایوب)، اصغر عرب هریسی، ایرج سپهری، جلیل انفرادی جعفراردبیلیچی، محمدعلی ابرندی، عبدالکریم عبدالله پور، یوسف زرکاری و جبهه چشم‌فروز، علی‌کارگر، حسن نیکوکار، ناصر نحوی، خیراله حسن و... حسین محمدی، و... خاطر این فدائیان شهیدگرامی باد...



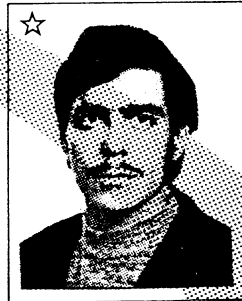
رفیق اسکندرمادقی نژاد



رفیق جبهه‌اله چشم‌فروز



رفیق ایرج سپهری



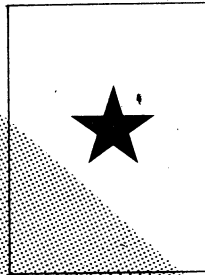
رفیق یوسف زرکاری



رفیق جلیل انفرادی



رفیق جعفر اردبیلیچی



رفیق محمدعلی ابرندی



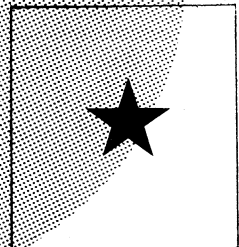
رفیق عبدالکریم عبدالله پور



رفیق علی کارگر



رفیق حسین نیکوکار



فدائیان خلق رفیق مرتضی کریمی (ایوب)، نمونه بارز یک کارگر آگاه به منافع طبقاتی خویش و یکی از درخشان‌ترین چهره‌های مقاومت در میان جوانان رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی بود. رفیق ایوب فعالیت انقلابی خود را با تولد سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران آغاز کرد و از همان دوره در جهت پیوند سازمان با محافل کارگری آن زمان تلاش خستگی‌ناپذیری از خود نشان داد. پس از ضربه سال ۵۵، رفیق ایوب سربیک قرار خیا بانی دستگیر شد و به ۱۴ سال زندان محکوم گردید. با گشوده شدن در زندانها در آستانه قیام، ایوب همه توان خود را در سازماندهی مبارزات کارگران چاپ تهران و سپس کارگران پروژه ای آبادان یکا رگرفت و سرانجام در راه اجرای وظایف سازمانگانه خویش توسط دشمنان جمهوری اسلامی دستگیر و پس از تحمل یکسال شکنجه در یکی از روزهای زمستان ۶۲ تیرباران شد.



رفیق حسن نوروزی

رفیق رضا مولائی در یک خط نسیبوانه زحمتکش در مسجد سلیمان مسئولیت‌های بسیار همان نوجوانی به کارگری پرداخته او کسبه در سالهای قبل از قیام کارگرانه را به خیرال موتورز بود، به هواداری از سازمان بر خاست. با گسترش فعالیت سازمان، نیز ارتباط ارگانیک با سازمان قرارگرفت و پس از قیام مسئولیت حوزه کارگری کارخانه جنرال موتورز را عهده دار شد. در مقطع انشعاب، به هواداری از خط مشی انقلابی اقلیت بر خاست و پس از انشعاب فعالیت انقلابی خود را با اقلیت ادامه داد. در سال ۶۱ به عضویت کمیته کارگری تهران درآمد. در سال ۶۲ دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه بدست دشمنان جمهوری اسلامی تیرباران شد. بیاد این کارگر پیشرو و آگاه به منافع طبقاتی خود، همیشه زنده خواهد ماند.